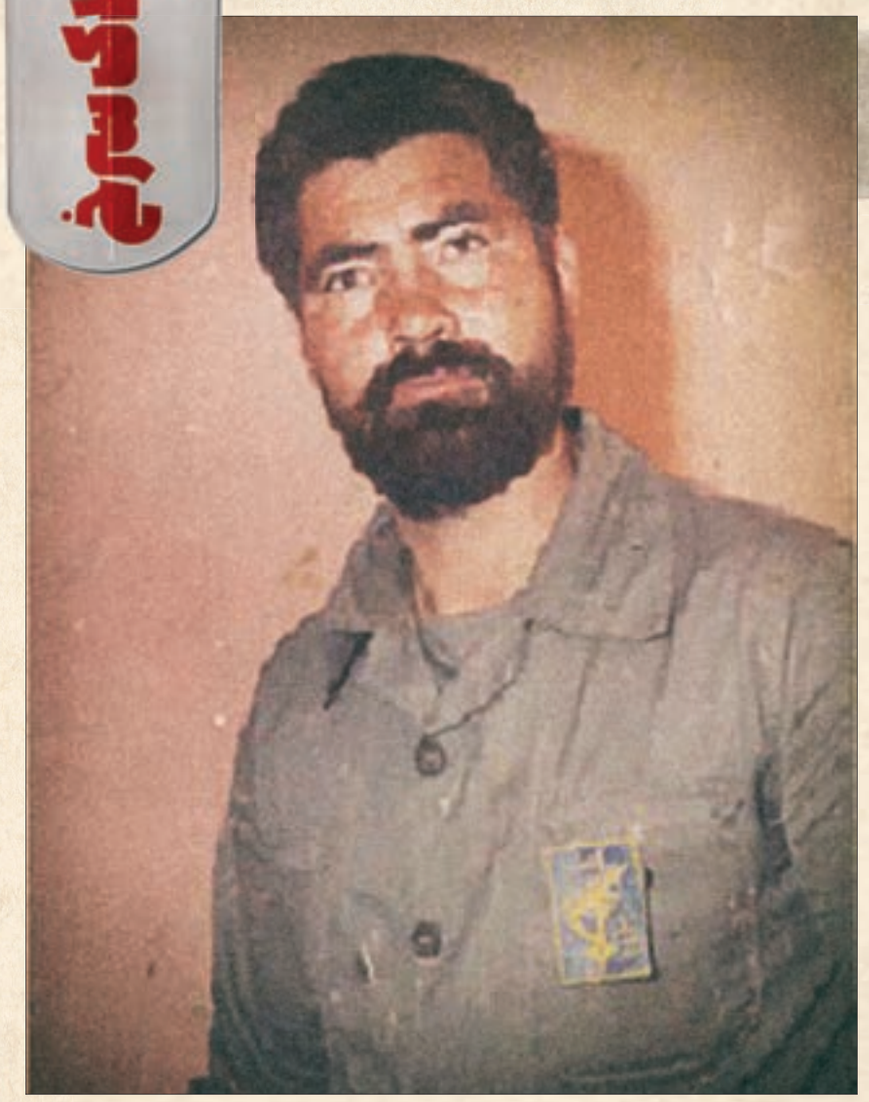
پلاک سرخ

شاکر شهادت

نگاهی به زندگی همشهری ما، محمدحسین حسینیان که ۳۸ سال پیش شهید شد



پلاک سرخ

محمدحسین حسینیان، فرزند قربانعلی، سال ۱۳۳۲ در روستای اَلمجوق از توابع بخش مرکزی شهرستان تربت جام به دنیا آمد. قرآن را در خانه فراگرفت و تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند، سپس برای کمک به پدر در کار کشاورزی، تحصیل را رها کرد. در سال ۱۳۵۰ با خانم صدیقه نوائی ازدواج کرد. مادرش می‌گوید: «شهید می‌گفت با همسری ازدواج می‌کنم که باتقوا و بانماز باشد و ما همسرش را براساس معیارهای او انتخاب کردیم.» این‌گونه است که صدیقه نوائی، همسرش در توصیف او می‌گوید: «از نظر مذهبی مردی متدین و دین‌دار بود. رابطه‌اش با پدر و مادرش بسیار خوب بود و آن‌ها را در زندگی‌شان کمک می‌کرد و فرزندانش را بسیار دوست می‌داشت.» او سپس به سبب محرومیت روستا به مشهد مهاجرت کرد و به کار بنّایی مشغول شد تا انقلاب شد و در واحد بسیج مسجد کرامت، فعالیت خود را آغاز کرد. حدود ۱۰ماه در کمیته انقلاب اسلامی خدمت کرد تا روزگار چرخید و عراق به ایران حمله کرد.

قبل از جنگ تحمیلی در کردستان به عنوان فرمانده دسته و در گنبد کاووس به‌عنوان مسئول پایگاه با ضدانقلاب مبارزه کرده بود اما با شروع جنگ تحمیلی ازطریق سپاه پاسداران به جبهه اعزام شد. همسر شهید، می‌گوید: «در طول ۱۱سال زندگی مشترک، برخورد شایسته‌ای با من و فرزندانم داشت. زمانی که می‌خواست به جبهه برود نگران و ناراحت بودم؛ وقتی ناراحتی مرا دید، گفت باید باایمان باشید؛ نباید از اینکه من به جبهه می‌روم ناراحت باشید، چون شما خدا را دارید و خدا یار شماست و اگر شهید شدم، ناراحت نشوید. کاری نکنید که ضدانقلابیون خوشحال شوند. می‌خواست فرزندانش را انقلابی و مؤمن تربیت کنم، چون آن‌ها را ثمره انقلاب می‌دانست.» پدرش هم این رفتن را لبیک به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حضرت امام(ره) می‌دانست و می‌گفت «به خاطر خدا، اسلام، قرآن و تمامیت ارضی میهن اسلامی و نابودی کفر و پیروزی اسلام، راهی میادین نبرد حق علیه باطل شد.»

اوایل جنگ در جبهه ارتفاعات ا... اکبر به مدت چند ماه حضور داشت؛ در این نبردها سرپرست گروه خمپاره بود. او در همین جبهه مجروح شد و مدت سه ماه در بیمارستان سینای تهران بستری بود. بلافاصله بعد از بهبودی مجدداً عازم جبهه شد. حاج‌محمدتقی لوخی، یکی از هم‌رزمانش، می‌گوید: «شجاعت، راستگویی، تواضع و مهربانی محمدحسین حسینیان ستایش‌برانگیز بود، اما بیشتر از آن، شجاعت و رشادت او در طول مبارزه‌اش شایان‌توجه بود.»

برای او جبهه واجب فرایض دینی بود، خودش می‌گفت: «جبهه یعنی بهشت. در آنجا حتی پدر و مادرت را فراموش می‌کنی و فقط به فکر اسلام و مملکت هستی.» چندی بعد، او در تنگه چزابه به‌عنوان فرمانده گردان مجروح شد و به مشهد برگشت. کبری حسینیان، خواهر شهید، درباره عیادت پس از این مجروحیت می‌گوید: «وقتی وارد شدم، گفتم: الهی شکر برادر جان که سلامتی! اما او در جوابم گفت: این شکری ندارد خواهر. هر وقت دیدی که تیر به سینه ام خورده، آن وقت خدا را شکر کن و بگو خدا را شکر. محمدحسین می‌خواست سر نماز برای شهادتش دعا کنم. راستش هر وقت به جبهه می‌رفت، برای او نذر می‌کردیم به سلامت برگردد. او خودش این را نمی‌خواست. بار آخر که می‌رفت مرا قسم داد که به جان آن کسی که دوست داری دیگر برایم نذر نکن تا آرزوی شهادت بر دلم نماند.» محمدحسین در آخرین مرخصی‌اش هم گریه کرد. بیمار شده و در بستر افتاده بود. گریست و به خواهرش گفت: «من از اینکه بیمارم نمی‌ترسم. از این می‌ترسم که در جبهه شهید نشدم و اینجا در بستر بمیرم.»

> من از اینکه بیمارم نمی‌ترسم. از این می‌ترسم که در جبهه شهید نشدم و اینجا در بستر بمیرم

با چنین روحیه‌ای بود که محمدحسین دوباره به جبهه برگشت. این بار به غرب کشور و به جبهه سومار اعزام شد و مسئولیت خط ۳ گردان را برعهده گرفت. او قبل‌تر به پدرش گفته بود: «اگر من شهید شدم، ناراحت نباشید و بدانید که ما پیروز هستیم و از اینکه فیض عظیم شهادت نصیبم شده، خوشحال باشید و افتخار کنید و سعی کنید امام امت را تنها نگذارید و مثل مردم کوفه نباشید.» رجب صمدیان، یکی از هم‌رزمانش، می‌گوید: «موقع رزم، رشادت، کار و تلاش همیشه پیشتاز بود و جلو حرکت می‌کرد، اما هنگام نماز همیشه وسط یا آخر جمعیت را انتخاب می‌کرد. موقع غذا هم آخر صف را انتخاب می‌کرد.»

محمدحسین روز ۲۲مهر ۱۳۶۱ براثر اصابت گلوله سیمینوف به سرش و ترکش به سر و پا به درجه رفیع شهادت نایل آمد و پس از انتقال به مشهد در بهشت رضا به خاک سپرده شد.

رفتار شهید حسینیان به‌گونه‌ای بود که پس از شهادتش خیلی‌ها را داغ‌دار کرد. همه می‌گریستند. حتی مادر شهیدان علیمردانی که در شهادت سه‌فرزندش هرگز گریه نکرد، در غم ازدست‌دادن شهیدحسینیان گریسته بود. قمر حسینیان، فرزند شهید، هم این خلق خوب را به یاد دارد و می‌گوید: «یکی از خصوصیات پدرم که مرا شیفته خود کرده بود، مهربانی بیش از حد او به افراد خانواده بود. هیچ‌گاه در خانه ناراحت نمی‌شد و همیشه با چهره خندان به خانه می‌آمد.»

منبع: فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ / زندگی‌نامه فرماندهان شهید استان خراسان

فرزندان من خدا را دارند

گرمای نگاهت به آدم، قوت می‌داد و تبسم لب‌هایت غم و غصه را برمی‌چید و به‌جای آن گل امید می‌کاشت. وقتی صحبت می‌کردی، یک‌یک واژه‌هایت در قلب می‌نشست و همان جا ماندگار می‌شد. به خاطر همین سلوکت بود که دعای خیر غریبه و آشنا بدرقه راهت بود. برادرم بودی و پشت و پناه و یاورم. ماه‌ها چشم‌انتظارت می‌نشستم تا دق‌الباب کنی و عطر نفست حیاط را زنده کند. عجب مقید بودی هر بار برمی‌گشتی، پیش از آنکه به دیدارت بیایم، به دیدنم می‌آمدی و مهربانی و صفا را برایم سوغات می‌آوردی.

آن دفعه، هنوز چند روزی از آمدنت نگذشته بود که روی پا بند نمی‌شدی و برای برگشتن لحظه‌شماری می‌کردی؛ می‌گفتی: «جبهه بهشته.» هنوز هم طنین صدایت در خاطرم می‌پیچد که: «جبهه بهشته.»

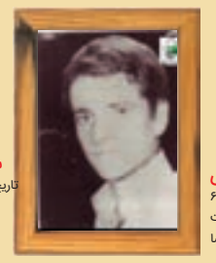
ساکت را بستی، مثل همیشه قرآن و مفاتیح را بوسیدی و با احترام درون ساک جای دادی. پرسیدم: «داداش! مگر در جبهه فرصت این کارها را هم داری؟» با تبسم جواب دادی: «ای خواهر! از جبهه چه می‌دانی! بهترین جای عبادت، جبهه است و بهترین وقت عبادت، شب عملیات است.» با آنکه صورتت می‌خندید، از ته دل، افسرده بودی. می‌گفتی: «من لیاقت شهادت ندارم.» می‌گفتم: «داداش! تو چهار فرزند داری. اگر شهید بشوی فرزندانت چه خواهند کرد؟ عاقبت آن‌ها چه خواهد شد؟» صدایت را آرام‌تر می‌کردی و نگاهی به صورتم می‌انداختی و می‌گفتی: «این حرف را نزن خواهر! مگر بچه‌های من با بچه‌های سایر شهدا فرق دارند؟ مگر خون بچه‌های من از خون دیگران رنگین‌تر است!» و آن‌گاه با اطمینانی که از ضمیر پاکت سرچشمه می‌گرفت، تأکید می‌کردی: «بچه‌های من، خدا را دارند.»

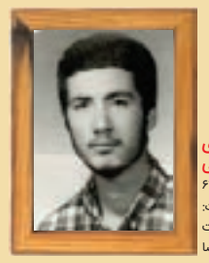
فهمیده بودی که هر بار راهی جبهه می‌شوی، برایت نذر می‌کنم و دست به دعا برمی‌دارم تا سلامت برگردی. رفتی و باز از من خواستی تا برایت نماز بخوانم و دعا کنم که خداوند شهادت را نصیبت کند؛ اما راستش دلم راضی نمی‌شد، تا اینکه روزی خبر دادند خداوند آرزویت را اجابت کرده است. آن روز دیگر نه نیازی به دعای من بود و نه احتیاجی به خواسته‌ام. آن روز، وقتی صورت آرام و مهربانت را برای آخرین بار دیدم، چندین بار خدا را شکر کردم و در مقام استجابت دعا زمزمه نمودم: «اللهم تقبل منا هذا القليل القربان.»

کبری حسینیان، خواهر شهید

درنگ

شهدای هفته


امرا... طاهری
تاریخ شهادت: ۶۱/۷/۲۱
محل شهادت: سردشت
گلزار بهشت رضا


سیدمهدی شبیری دوزینی
تاریخ شهادت: ۶۱/۷/۲۱
محل شهادت: سردشت
گلزار بهشت رضا


غلام‌حسن خانی
تاریخ شهادت: ۶۱/۷/۲۱
محل شهادت: سومار
گلزار بهشت رضا


محمدرضا ارباب‌خالصی
تاریخ شهادت: ۶۱/۷/۲۱
محل شهادت: سردشت
گلزار بهشت رضا


محمدجواد عطائی‌صانعی
تاریخ شهادت: ۶۱/۷/۲۲
محل شهادت: سومار
گلزار بهشت رضا


سیداصلان ساقی
تاریخ شهادت: ۵۹/۷/۲۳
گلزار بهشت رضا

عملیات‌های هفته

فهمیده بودی که هر بار راهی جبهه می‌شوی، برایت نذر می‌کنم و دست به دعا برمی‌دارم تا سلامت برگردی. رفتی و باز از من خواستی تا برایت نماز بخوانم و دعا کنم که خداوند شهادت را نصیبت کند؛ اما راستش دلم راضی نمی‌شد، تا اینکه روزی خبر دادند خداوند آرزویت را اجابت کرده است. آن روز دیگر نه نیازی به دعای من بود و نه احتیاجی به خواسته‌ام

۲۲مهر ۱۳۶۵
منطقه عملیات: غرب- قصر شیرین
نوع یا نام عملیات: تک محدود یا ابا عبدالله الحسین(ع)
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل گردان ۱۱۳ تیپ ۴ لشکر ۸۱
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: تصرف اهدافی از دشمن ، تعدادی کشته و زخمی و ۲۰ نفر اسیر و وارد کردن خساراتی به عراقی‌ها

۲۳مهر ۱۳۵۹
منطقه عملیات: جنوب- غرب دزفول
نوع یا نام عملیات: پای پل کرخه
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل لشکر ۲۱ و گروه رزمی ۲۹۱ لشگر ۷۷
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: اولین تجربه جنگ بود و تجارب فراوانی به‌دست آمد

۲۳مهر ۱۳۵۹
منطقه عملیات: جنوب- حمیدیه
نوع یا نام عملیات: تک محدود
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل تیپ ۱ لشکر ۹۲
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: ۵ دستگاه تانک منهدم و تعدادی کشته و زخمی شدند

۲۴مهر ۱۳۵۹
منطقه عملیات: جنوب- حمیدیه
نوع یا نام عملیات: تک ایذائی
یگان‌های شرکت‌کننده: سپاه
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: وارد کردن خسارت به دشمن

۲۴مهر ۱۳۶۶
منطقه عملیات: شمالغرب- پنجوین
نوع یا نام عملیات: پدافند
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل لشکر ۳۰
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: دشمن با وارد نمودن خساراتی به نیروهای خودی و پذیرش تلفات عقب نشینی کرد

۲۵مهر ۱۳۵۹
منطقه عملیات: ورودی لنگرگاه ام‌النصر
نوع یا نام عملیات: طرح عملیاتی بهروز
یگان‌های شرکت‌کننده: نیروی دریایی ارتش
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: انهدام کشتی تجاری gulyeng

۲۵مهر ۱۳۶۳
منطقه عملیات: غرب- میمک
نوع یا نام عملیات: عاشورا یا ابا عبدالله الحسین (ع)
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل لشکر ۸۱ و ۸۴ و سپاه
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: آزادسازی حدود ۱۰۰ کیلومتر از خاک وطن ۱۵۰۰ کشته و زخمی ۱۸۰ اسیر انهدام ۵ دستگاه تانک و نفربر انهدام ۴ تیپ و ۴ گردان کماندوئی ۳ فروند هواپیما

۲۶مهر ۱۳۵۹
منطقه عملیات: دهانه خور موسی
نوع یا نام عملیات: تجسس و نجات ناو مهران
یگان‌های شرکت‌کننده: نیروی دریایی ارتش
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: نجات ناو مهران از چنگ عراقی‌ها

۲۷مهر ۱۳۶۲
منطقه عملیات: شمالغرب- مریوان و پنجوین
نوع یا نام عملیات: والفجر۴ یا الله یا الله یا الله
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش، سپاه و هوانیروز
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر از خاک ایران و ۷۰۰ کیلومتر از خاک عراق، تصرف ارتفاعات مهم منطقه، پاکسازی کامل پیشرفتگی شیلر و پادگان گرمک، کنترل شهر پنجوین عراق.

۲۹مهر ۱۳۶۴
منطقه عملیات: غرب- سومار
نوع یا نام عملیات: تک محدود یا موسی ابن جعفر(ع) ادرکنی
یگان‌های شرکت‌کننده: ارتش شامل گردان ۱۹۹ تیپ ۴۰
نتیجه عملیات، تلفات و ضایعات عراق: ۴۵ کشته انهدام ۱۳ سنگر ۴ انبار مهمات
منبع: پورتال اطلاع رسانی سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس

نگاه شما

محمد| شهرک شهید رجایی، تقاطع حر ۲مقابل کلانتری ۲۷رجایی. لطفا مکانی برای حضور پرسنل راهور اختصاص بدهید.



شهروند| سقف پل عابر پیاده محمدآباد به عمار یاسر بسیار فرسوده و تکه تکه است. لطفا تعویض بفرمایید.



پیگیری

معابر کم عرض باید با مشارکت اهالی آسفالت شود

شهروند| آزادی ۱۰۷ گلریز ۱/۷ آسفالت نشده است.

شهرداری منطقه ۱۰| برابر مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد، آسفالت معابر با عرض زیر ۲۰ متر باید به‌صورت مشارکتی با مالکین محل مورد درخواست، صورت پذیرد. قابل ذکراست مالکین محترم می‌توانند با مراجعه به اداره ناحیه ۳ به آدرس خیابان آیت‌ا... مشکینی، مقابل آیت... مشکینی ۲۹ و ارائه درخواست، اقدام کنند.

برای مجوز پیشروی به شهرسازی منطقه مراجعه کنید

شهروند| پیگیر شوید چرا هیئت فنی در مناطق سلیقه‌ای عمل می‌کند؟ بنده در نماز ۱۵ رادان ۴ درخواست پیشروی سمت معبر و پر کردن حیاط خلوت به میزان ۱ متر را داشتم اما شهرداری موافقت ننموده است اما به یکی از پلاک‌های مجاور ما واقع در همان بلوک مجوز پیشروی را بر اساس نامه مشاور طرح اعطا نموده است. حال که بنده دوباره درخواست هیئت فنی داده‌ام، شهرداری می‌گوید شیوه‌نامه عوض شده و امکان اعمال پیشروی نیست. هر چند که بنده قبل اعمال شیوه‌نامه جدید هم این درخواست را داده بودم و قبول نشده بود.

شهرداری منطقه ۹| باتوجه به اینکه آدرس و کدنوسازی ملک شهروند ارجمند مشخص نیست و باید بررسی‌های دقیق برای پاسخگویی به درخواست ایشان انجام پذیرد، خواهشمند است شهروند محترم به اداره شهرسازی شهرداری منطقه ۹ در دلاوران ۶، نبش چهارراه اول مراجعه یا با شماره تلفن ۳۱۲۹۵۳۱۷ روابط عمومی منطقه تماس بگیرند.

وعده ندهید، پول نداریم!

ادامه از سرمقاله صفحه یک

... سال‌هاست پرداخت یارانه نقدی و کمک معیشتی با کسری شدید منابع مواجه است و هزینه این کسری منابع را نه نمایندگان و نه دولتمردان که مردم با مالیات پنهانی به‌نام تورم می‌پردازند. دیگر اینکه انتظار مردم از مجلسی که داعیه انقلابی‌بودن دارد، این است که به‌جای توزیع پول بین آن‌ها، به‌فکر ایجاد اشتغال پایدار و اصلاح ساختارهای اقتصادی و گشودن قفل‌ها باشند و هزینه سرباری ایجاد نکنند. در غیر این صورت، حتی اگر طرح پیشنهادشده به قانون تبدیل شود و دولت هم بخواهد در ماه‌های باقی‌مانده سال آن را اجرا کند، این طرح به‌ضد خود تبدیل می‌شود و آبی از این دیگ برای مردم گرم نخواهد شد. افزون بر اینکه دل‌بستن به منابع درآمدی ناپایدار و گمراه‌کننده مانند گرفتن مالیات بر تراکنش‌های بانکی و نظایر آن هم افاقه نخواهد کرد، مگر اینکه نمایندگان مجلس افق بلندمدت را در نظر بگیرند و در مسیر اصلاح نظام یارانه‌ای کشور گام بردارند.

صریح و بی‌پرده باید گفت که بودجه‌ریزی و یافتن منابع پایدار برای تأمین مالی دولت را نباید با جابه‌جایی اعداد و درست کردن جدول اشتباه گرفت، زیرا وقتی پول نیست یا کم است، خرج اضافه کردن یا جابه‌جایی منابع محدود بین تقاضاهای نامحدود تنها به اختلال در روندهای اقتصادی منجر خواهد شد و از هم‌اکنون آژیر افزایش نرخ تورم بیشتر به‌صدا درآمده است. مردم باید خودشان انتخاب کنند؛ کوپن خرید اعتباری بگیرند یا فشار تورم کمتر شود؟ پیشنهاد می‌کنم نمایندگان دست نگه دارند و تصمیمی نگیرند که نتیجه آن تورم بیشتر و خالی‌شدن سفره‌های مردم باشد و دست کم اگر هم تصمیم دارند که به هر قیمت این طرح را اجرایی کنند، دامنه شمول کمک خرید اعتباری محدود به دهک‌های کم‌درآمد جامعه شود. بدانیم که سیاست پخش بالگردی پول بر سر مردم، آن‌ها را در رفاه قرار نمی‌دهد و هزینه سوخت بالگردهای پول‌پخش‌کن را مردم می‌دهند.

به روایت منشور

منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد(۲۲)
فصل نهم: حق برسازمان
۹-۱- شفافیت و فناوری اطلاعات
۱۱۵ مدیریت شهری موظف است در راستای اصل شفافیت اداری، ضمن شفافیت در ساختار سازمانی خود، امکان نظارت همگانی توسط شهرنشینان را فراهم نماید.
برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد کد روبه‌رو را اسکن کنید